

ارزیابی حکمرانی و دیپلماسی زیست محیطی دولت دوازدهم: با تاکید بر موضوعات منطقه‌ای

رضا سیمبر*
آزیتا ملکی^۲

چکیده

مقاله حاضر کنکاشی در تبیین حکمرانی و دیپلماسی زیست محیطی دولت دوازدهم با تاکید بر دو مطالعه موردی می‌باشد. در این نوشتار در ابتدا بنیادهای بایسته دیپلماسی زیست محیطی در پارادایم سیاست خارجی به‌طور کلی توضیح داده می‌شود و اهمیت و جایگاه آن تبیین می‌گردد. پس از آن به‌طور اخص به نقش حکمرانی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص پرداخته می‌شود و با تاکید بر رویکردهای دولت دوازدهم تلاش می‌شود تا تصویر از کامیابی‌ها و ناکامی‌های سیاست خارجی ایران در این باره با تکیه بر بحران ریزگردها و چالش‌های زیست محیطی خزر توضیح داده شود. ایده اصلی نوشتار این است که در این حیطه متاسفانه حکمرانی و دیپلماسی زیست محیطی ایران با مسایل و چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌باشد و کارنامه قدرتمندی در این زمینه‌ها وجود ندارد و دولت نتوانسته است که از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ایران در زمینه گسترش روابط زیست محیطی و پایداری محیط زیست به خوبی عمل نماید. این در حالی است که در چانه‌زنی‌های مربوط در مسایل چالش برانگیز، به ویژه با همسایگان در راستای تامین منافع ایران نیز موفقیت‌ها بسیار نسبی و اندک بوده‌اند. به نظر می‌رسد که دستگاه دیپلماسی ما نقش بی‌بدیلی را در اقناع سازی دولت ایران در ممانعت از اجرای طرح‌های مخرب محیط زیست و چانه‌زنی‌های دیپلماتیک در سطح کشورهای حوضه دریای خزر و حل بحران ریزگردها دارا می‌باشد که لازم است هر چه سریع‌تر و هر چه مؤثرتر این نقش خود را ایفا نماید. این اقناع سازی باید با تکیه بر مفهوم امنیت جامع صورت پذیرد و حکمرانی ایرانی در قضیه محیط زیست به گونه‌ای آگاه شود و عمل کند که نشان دهد، موضوعات زیست محیطی نیز قطعه مهمی از پازل تامین امنیت می‌باشند. در این دیدگاه و برنامه عمل تاکید می‌شود که امنیت فقط جنبه سیاسی و امنیتی ندارد و عملکرد ضعیف در خصوص بحران‌های زیست محیطی می‌تواند باعث بروز چالش‌های اجتماعی و سیاسی شود. بنابراین برای تامین امنیت جامع، نگرش همه جانبه به آن و تلاش مدبرانه برای حل چالش‌های اصلی محیط زیست در ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در حکمرانی و دیپلماسی ایرانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی زیست محیطی، دیپلماسی منطقه‌ای، بحران ریزگردها، بحران زیست محیطی خزر، رژیم‌های حقوقی زیست محیطی

۱. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

* simbar@guilan.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق و مدرس دانشگاه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، پیاپی ۳۵، «ویژه‌نامه»، صص ۸۲-۵۱



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

پیاپی سی و پنجم،

زمستان ۱۳۹۸

ویژه‌نامه تحولات

منطقه‌ای و

بین‌المللی

مقدمه

در جهان معاصر موضوعات و چالش‌های محیط زیست بسیار متنوع و چشم‌گیر هستند که هر کدام از آن‌ها نیز از پیچیدگی‌های گوناگونی برخوردار می‌باشند. تغییر و تحول در اکوسیستم جهانی مانند تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، امحای تدریجی تنوع زیستی، جنگل زدایی، بیابان‌زایی و سایر اشکال فرسایش زمین، تخریب تدریجی لایه اوزون، و هم‌چنین پدیده گرم شدن زمین از نمونه‌های عمده مطرح می‌باشند. این در حالی است که چالش‌های مرتبط به انرژی مانند انواع گوناگون آلودگی، شامل بحران‌های زیست محیطی منتج از سو مدیریت به‌خصوص درباره انرژی هسته‌ای، حمل و نقل، نفت و صنایع شیمیایی، پساب‌های صنعتی و بیمارستانی آلوده کننده از برجسته‌ترین موارد محسوب می‌شوند. در کنار این عوامل قطعاً چالش‌ها و مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت، پدیده مصرف‌گرایی که تاب و توان کره زمین را گرفته، گسترش بیماری‌های مسری و علی‌الاصول شرایط نابسند به‌داشتی، افت سواد و آموزش کافی، پدیده مهاجرت‌های غیرقابل کنترل و شهرنشینی مهار ناپذیر به همراه حاشیه‌نشینان فقیر و محنت زده، هر کدام خود به نوعی به بحران‌های مربوط در مناطق گوناگون از جمله حوضه دریای خزر دامن می‌زنند که حل آن‌ها در گرو اجرای دیپلماسی مشترک زیست محیطی کشورهای ساحلی است.

مشکلات غذایی حاصل از فقر و فاقه اقتصادی، گرسنگی، مصرف بیش از حد و بیماری‌های مرتبط با آن‌ها، تخریب خاک حاصل خیز و منابع آبی، مشکلات اقتصادی حاصل از توسعه ناپایدار، بی‌ثباتی اجتماعی و نابرابری‌های ناموجه طبقاتی، از میان رفتن طبقه متوسط و شکاف بیش از حد فقر و غنا؛ تنازعات و جنگ‌های قومی که مسبب خسارت‌های زیست محیطی می‌شوند هر کدام به نوبه خود از متغیرهای تخریب گسترده محیط زیست در سطوح مختلف در سطح جهانی محسوب می‌شوند. در واقع باید تأکید کرد که محیط زیست یک مجموعه به هم پیوسته از متغیرهای فیزیکی، بیولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که شدیداً بر مردم و جوامع تاثیرگذار است و به طور متقابل نیز از آنان تاثیر می‌پذیرد. به دیگر سخن محیط زیست هر جایی از کره زمین محسوب می‌شود که در آن آثار حیات هویدا باشد. نکته این است که آلودگی

محیط‌زیستی ناشی از تغییرات در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، آب، خاک، هوا و مواد غذایی است که اثرات نامطلوبی را بر روی سلامت انسان و موجودات زنده داشته باشد. به‌عنوان نمونه انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوخت‌های فسیلی و سایر فعالیت‌های انسانی است، که علت اصلی افزایش دمای کره زمین محسوب می‌شود (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۰۹).

ضمناً هرچند علم و فناوری پیشرفت بیشتری داشته است، باعث شده که آثار تخریبی زیست محیطی گسترش نماید. این در حالی است که با پیشرفت شهرنشینی و گسترش شهرها آثار این تخریب هرچه بیشتر هویدا شده است. این گونه بود که چالش‌های زیست محیطی به جز جدایی ناپذیری از اندیشه‌های منتقدانه نسبت به مدرنیته شد، و به این ترتیب اندیشه‌های چپ شدیداً به نظام سرمایه‌داری حاصل از تفکرات اقتصادی لیبرالیستی و محورهای آن از جمله مصرف‌گرایی حمله کردند. به تدریج، نادیده انگاشته شدن امور زیست محیطی در نگرش رئالیستی یا واقع‌گرایانه از امنیت هم به‌خوبی آشکار شد. چرا که عمدتاً در این رهیافت فکری امنیت به‌طور عینی یا ابژکتیو و با تکیه بر پارامترهای قدرت نظامی و سیاسی دیده می‌شد. اما کم‌کم بسیاری از اندیشمندان بر این وجه از نگرش رئالیستی، منتقدانه تاختند و نظریه امنیت جامع مطرح شد که در آن این ادعا مطرح گردید که امنیت زمانی متحقق می‌شود که سایر ابعاد امنیت با تدبیر و تمشیت مورد لحاظ قرار گیرند که اهم آن‌ها مسایل زیست محیطی و اقتصادی بودند. در اندیشه رئالیستی این تنها دولت‌ها هستند که می‌توانند با مشکلات زیست محیطی دست و پنجه نرم می‌کنند و کمیابی منابع باعث تنش و بحران می‌شود. اما در عصر حاضر، و با تکیه بر اوضاع و شرایط فعلی در عرصه روابط بین‌الملل، می‌توان گفت که راه‌حل‌های صرفاً رئالیستی قادر نیستند، مسایل مربوط به تامین امنیت جامع را حل کنند. اندیشه‌های لیبرالیستی هم عمدتاً به خاطر ترویج مصرف‌گرایی و نظام سرمایه‌داری نولیبرال و فردگرایی مستتر در آن به انحای گوناگون مورد نقد منتقدین امور محیط زیست بوده است و در عمل منتقدین عمدتاً از اندیشه کارکرد گرایانه و کثرت‌گرایانه تامین امنیت جامع، توسعه پایدار و حفاظت از منابع زیست محیطی حمایت کرده‌اند (سیمبر و ملکی، ۱۳۹۸).

آنچه که حاصل پیشرفت علوم و فناوری مدرن و توسعه صنعتی و اقتصادی در دهه‌های اخیر بوده است، آثار تخریبی هر چه بیشتری را در عرصه محیط زیست هویدا ساخته است. به وجود آمدن انواع بحران‌ها طبیعی، تغییرات عمده در اقلیم و آب و هوایی جهانی، فرسایش خاک، استهلاک گسترده منابع آبی، پارگی لایه اوزون، نابودی گسترده منابع جنگلی، تصاعد روز افزون معضل زباله در کشورهای مختلف، انقراض تدریجی انواع گونه‌های زیستی، کاهش فزاینده منابع تجدیدناپذیر، محدودیت جذب زمین در مقابل انبوهی از پسماندها و ضایعاتی که هر روز در اثر مصرف ناپایدار منابع و کالاها به وجود می‌آیند، خشک شدن تالاب‌ها، سد سازی‌های بی‌رویه، میزان فزاینده آلودگی مهلک در کلان شهرها، همه و همه ترجمان تلخی از مداخلات نامعقول و نابه جای انسان در طبیعت محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد، روند پیشرفت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هنوز تا رسیدن به منطقه سازگاری با محیط زیست فاصله زیادی دارد. حتی تغییرات کوچک و کوتاه مدت و قطعی در نظام طبیعت می‌تواند خسارات زیادی را به وجود آورد، البته توسعه مدبرانه و معقولانه و متناسب با نیازهای واقعی انسانی امری طبیعی و ضروری می‌باشد. آفرینش نظام متعادل بین الزامات زیست محیطی و منابع طبیعی رویکرد مناسبی برای روند توسعه در عصر حاضر قلمداد می‌گردد. موضوع توسعه پایدار امری جدی است که می‌تواند طبیعت را از تخریب هر چه بیشتری مصون نگه دارد. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که رشد اقتصادی هدف اصلی اعلام می‌شود، فرآیندهای مربوط می‌تواند به نتایج اسفباری به‌ویژه در زمینه محیط زیست منجر گردد. از آن جایی که زمینه عمده فعالیت‌های اقتصادی محیط زیست می‌باشد، طبیعی است که بیشترین آثار منفی را نیز بر آن مترتب باشد. تجربه رشد اقتصادی در کشورهای مختلف و در حال توسعه از جمله ایران، ترجمان این واقعیت است که نقش دولت‌ها در امور صنعتی، تولیدی، تجاری و سرمایه‌گذاری نقش عمده و بی‌بدیلی بوده است. در بسیاری از موارد، دولت‌ها بدون توجه به رعایت استانداردهای زیست محیطی به تولید کالاها و خدمات می‌پردازند که باعث و موجد آلودگی‌های مختلفی به‌ویژه در کلان شهرها

می‌شوند، فرآیندی که آثار مصیبت بار آن را امروز در تهران و برخی از کلان شهرهای ایرانی شاهد هستیم (مشهدی، ۱۳۹۵).

آلودگی که با گسترش روز افزون، زندگی و سلامت جسم و روان شهروندان را تحت تاثیر خود قرار داده است. ایران از نظر شاخص آلودگی هوا در میان آلوده‌ترین کشورهای جهان قرار دارد. آژانس اطلاعات انرژی آمریکا در فهرست منتشره ۵۵ کشور آلوده‌کننده نام ایران را نیز آورده است. این سازمان با بررسی میزان گاز دی‌اکسیدکربن تولید شده توسط تمام صنایع و میزان سوخت فسیلی مصرف شده در کشورهای جهان، فهرستی از آلوده‌کننده‌ترین کشورها را در سطح جهانی تهیه کرده است که در آن کشور چین دارای رتبه اول و ایران رتبه نهم را دارا می‌باشد. تحقیقات مربوط به حوزه سلامت در کشورها نشان می‌دهد که میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی تنفسی با افزایش میزان آلودگی هوا نسبت مستقیمی را دارا می‌باشد. در ایران، عواملی مانند کیفیت پایین خودروها، کیفیت سوخت مصرفی، و توسعه نیافتگی صنعتی کشور از شاخص‌ترین عوامل آلوده ساختن هوا می‌باشند. ایران بر اساس گزارش‌های جهانی از نظر تولید گاز دی‌اکسیدکربن در جهان رتبه یازدهم را دارا می‌باشد (رتبه‌بندی کشورها در محیط زیست، ۲۰۱۹).

این در حالی است که اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست را یک رسالت و مأموریت همگانی می‌بیند و هرگونه فعالیت تخریب‌کننده محیط زیستی را غیرقانونی اعلام کرده و ممنوع می‌داند. این در حالی است که در سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ نشانه‌های گوناگون و مختلف و عدیده‌ای از ترجیحات نظام و سیاست‌گذاری عمومی در این خصوص دیده می‌شود. ایران از پیشقراولان و پیشتازان همکاری با مجامع بین‌المللی در خصوص مبارزه با آلودگی هوا و مخاطرات محیط زیستی بوده است، به این ترتیب پس از برپایی کنفرانس محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ در برزیل و امعان نظر فزآینده جامعه بین‌المللی به موضوع پاسداری از محیط زیست، در ایران نیز قانون حفاظت و همسازی محیط زیست تصویب شد، و سازمان حفاظت از محیط زیست از اختیارات قانونی در این زمینه برخوردار شد. (طیبی، ۱۳۹۵: ۷۲-۸۸). البته جهت نیل به اهداف محیط زیست و توسعه پایدار، کشور

نیازمند به برنامه‌ریزی هدفمند، شناخت صحیح فرصت‌ها و چالش‌های فراسو، سیاست‌گذاری عمومی کارآمد و دیپلماسی زیست محیطی تکمیل‌کننده می‌باشد، که بتواند به تحقق اهداف راهبردی مندرج در سند چشم انداز کمک کند.

منتقدین دیپلماسی زیست محیطی دولت‌های یازدهم و دوازدهم

منتقدین رویکردهای زیست محیطی دولت یازدهم و دوازدهم معتقدند که این دولت‌ها به مانند اکثر دولت‌های قبلی، هیچ وقت از مقام شعار فراتر نرفته‌اند و موکدا مدعی هستند که دو دولت آقای روحانی نیز الزامات شایسته‌ای را برای اخذ "محیط زیستی‌ترین دولت" ندارند. این در حالی است که این لقب بارها از سوی خود رئیس جمهور، حامیان وی، برخی مقام‌های ارشد اجرایی در تبلیغات انتخاباتی سال‌های ۹۲ و ۹۶ و سایر سخنرانی‌ها به دولت نسبت داده شده است. منتقدین مدعی هستند سردادن شعارهای زیست محیطی از سوی دولت بازی با الفاظ است و آن را نوعی توهین به شعور مردم و دلسوزان محیط زیست تلقی می‌کنند.

مهم‌ترین مستندات منتقدین، موافقت دولت آقای روحانی با پروژه‌های انتقال آب، انتصاب مدیران غیر متخصص در سازمان‌های "حفاظت محیط زیست" و "جنگل‌ها، مراتع و آب خیزداری"، بی‌توجهی به دیپلماسی آب و تامین حقایق‌های کشور، ادامه فرآیند نابودی تالاب‌ها، عدم مدیریت بحران ریزگردها، تداوم رشد بیابان زایی، واگذاری مرجعیت کنوانسیون تنوع زیستی به وزارت جهاد کشاورزی و واردات بی‌رویه محصولات تراریخته همه از دلایلی هستند که نشان می‌دهد، حکمرانی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در خصوص حوضه‌های محیط زیست و منابع طبیعی و به‌طور کلی دیپلماسی زیست محیطی موفق نبوده است. به دلیل اتخاذ رویه‌های نامناسب و بی‌توجهی به موضوع توسعه پایدار و ارزیابی‌های واقعی زیست محیطی در اجرای پروژه‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که ادعای "محیط زیستی‌ترین دولت" تنها به خاطر اهداف سیاسی و تقویت روند کمپین انتخاباتی در زمان خودش مطرح شد و عملاً در دولت‌های یازدهم و دوازدهم پس از پیروزی در انتخابات در حوضه‌های منابع طبیعی و محیط زیست نه تنها شاهد حرکتی رو به جلو نبوده‌ایم، بلکه عقب‌گرد نیز داشته‌ایم و

بنابراین شعارهای انتخاباتی که معیار انتخاب مردم در زمینه‌های محیط زیست بوده است هرگز به واقعیت نپیوست و باعث دلسردی رای‌دهندگان و همه حامیان محیط زیست شد.

در همین راستا منتقدین به برخی از تصمیمات اشتباه که غالباً برخواسته از انتصاب مدیران ناشایست به‌ویژه در زمینه محیط زیست، منابع طبیعی و جهادکشاورزی است، اشاره می‌کنند که به‌عنوان نمونه می‌توان به موافقت با پروژه‌های انتقال آب مانند طرح انتقال آب خزر به سمنان، خلیج فارس به یزد و دریای عمان به مشهد اشاره کرد. در همین حال اظهارنظرهای شعاری و غیرعملی درباره پروژه‌های انتقال آب و سد سازی به خصوص بعد از وقوع سیل‌های سال‌های گذشته نیز مطرح بوده‌اند. بی‌توجهی به شرایط فعالان محیط زیست و فراهم نکردن بستر لازم برای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد این حوزه، وجود بوروکراسی و نگاه امنیتی به فعالیت این سازمان‌ها نیز از موارد انتقادی می‌باشد. در زمینه‌های دانشگاهی و پژوهش نیز این نقد مطرح می‌شود که بی‌توجهی به پژوهش‌های علمی و عدم بهره‌برداری مناسب از نتایج این تحقیقات و پروژه‌های علمی باعث شده تا روند تخریب محیط زیست گسترش یابد.

بلا تکلیفی مدارس طبیعت به‌عنوان الگویی مناسب برای آموزش‌های محیط زیستی به کودکان، بی‌توجهی به دیپلماسی آب و تامین حق‌آبه‌های کشور، در نتیجه نابودی بیشتر تالاب‌ها مانند هامون، انزلی و هور العظیم، مهار نشدن ریزگردها در بیشتر استان‌ها و تداوم رشد بیابان‌زایی در کشور، زوال اکوسیستم زاگرس و به رسمیت شناخته شدن واگذاری زمین‌های زراعی، اراضی زیر آشکوب زاگرس، کاهش ۷۲ هزار هکتار از وسعت مناطق چهارگانه و پای‌بند نبودن به معاهدات بین‌المللی مثل معاهده ناگویای ژاپن برای افزایش وسعت مناطق حفاظت شده محیط زیست، تبدیل بخشی از اراضی ملی به قرق‌های اختصاصی شکار، محدود شدن حمایت از محیط‌بانان و جنگل‌بانان به انجام اقدامات نمایشی، واگذاری مناطق حفاظت شده مانند منطقه حفاظت شده لشکر در ملایر به معدن سرمک، اجرای طرح‌های گردشگری بی‌ضابطه در زیستگاه‌های بکر مانند جزیره آشوراده و منطقه حفاظت شده خاییز، تداوم روند آلودگی هوا در کلان شهرها به دلیل بی‌توجهی به توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی و حمایت نکردن سازمان حفاظت

محیط زیست از ترویج دوچرخه سواری، بی‌توجهی به مسئله مدیریت پسماند در سراسر کشور به‌خصوص در استان‌های شمالی و جنوبی، ادامه روند سدسازی به‌ویژه در جنگل‌های هیرکانی، جولان کشتی‌های صید ترال چینی در آب‌های جنوبی کشور نیز از سایر مستندات منتقدین می‌باشند (درویش، محمد، ناکامی دولت‌ها در محیط زیست، ۱۳۹۸).

دولت‌های یازدهم و دوازدهم خود را زیست محیطی‌ترین دولت‌های پس از انقلاب نامیدند، قرار شده بود که با وعده‌ها و برنامه‌هایی که آقای روحانی معرفی کرده بودند این وعده‌ها اجرایی شوند. شعارهای انتخاباتی دولت آقای روحانی باعث شد تا توقعات نسبت به سیاست‌های زیست محیطی ایشان افزایش یابد، این در حالی بود که وقتی عیسی کلانتری توسط دولت به ریاست محیط زیست ایران منصوب شد، تناقض میان زیست محیطی‌ترین دولت مدعی این چهل سال و انتصاب یک چهره کشاورزی به زعامت محیط زیست کشور خیلی مسئله ساز شد، چرا که کشاورزی و محیط زیست در تامین حکمرانی کشور دارای جدال دیرینه‌ای هستند. کشاورزی نابود می‌کند در حالی که محیط زیست باید حفظ شود. اولی به ظاهر دنبال توسعه است و دومی زخم خورده توسعه می‌باشد. منتقدین حکمرانی محیط زیست به دست آقای کلانتری پس از گذشت حدود دو سال این انگ را به وی وارد می‌کنند که او دارای اشتباهات بزرگ است. فردای روزی که وی به سازمان محیط زیست وارد شد به استاندار سمنان زنگ زد که با طرح انتقال آب خزر به سمنان موافق است و از نظر ایشان این کار مانعی ندارد. مردی که در اولین نشست خبری‌اش به خبرنگاران گفته بود که بر ۹۵ درصد موضوعات زیست محیطی اشراف ندارد، ولی در اولین تصمیم سخت‌ترین تصمیم را در خصوص طرح انتقال آب دریای خزر اتخاذ نمود.

در نمونه دیگر عیسی کلانتری اعلام نمود که موضوع یوزپلنگ‌های ایرانی که تعدادشان در کشور به ۳۰ فرد می‌رسد، در اولویت نمی‌باشد، بلکه این آب است که موضوع و چالش اصلی کشور است. و سپس مقایسه نامانوسی ارایه نمود که مسئله آب به‌عنوان یک موضوع اصلی نباید با مسئله جزئی همچون چند یوزپلنگ کم رنگ کرد. این در حالی است که منتقدان حکمرانی محیط زیست معتقدند سدهای شفاورود و

لاسک، طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به مرکز کشور و انتقال آب رود ارس به مرند تخریب‌کننده مدیریت علمی منابع آبی کشور است، طرح‌هایی که با موافقت شخصی او همراه بوده‌اند.

در همین حال وقتی ایشان اعلام داشت که از صدور پروانه صدور شکار قوچ‌ها و میش‌ها دفاع می‌کند، موجی از انتقادهای سخت علیه او برپا شد. وی استدلال می‌کرد که قوچ پیر چند برابر قوچ جوان آب می‌خورد و با توجه به بی‌آبی زیستگاه‌ها، شکار قوچ پیر باعث می‌شود به دیگر قوچ‌ها آب بیشتری برسد. ضمناً وی استدلال می‌کرد که قوچ هشت ساله مانع انتقال ژن برتر بین گونه‌های آن می‌شود و با شکار آن‌ها، قوچ‌های جوان با ژن بهتر فرصت جفت‌گیری خواهند داشت. منتقدین حکمرانی زیست محیطی به شدت نگران اندیشه‌ها و استدلال‌های این چنینی شدند که حول موضوع آب مطرح شد ولی هیچ بازخورد مثبتی برای آب نداشت و فقط به ضرر حیات وحش و البته به نفع شکارچیان تمام شد.

انتقاد دیگری که به نحوه حکمرانی محیط زیستی دولت دوازدهم وارد شد این است که رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست کنوانسیون تنوع زیستی را به وزارت جهادکشاورزی واگذار نمود. استدلال این است که جهادکشاورزی اصولاً یک دستگاه بهره‌برداری است در حالی که کنوانسیون تنوع زیستی تأکیدش بر کنترل بهره‌برداری و حفظ گونه‌ها می‌باشد. این تصمیم برای منتقدان شوک‌آور بوده است. در جواب منتقدان سازمان ادعا می‌کردند که این کنوانسیون در سی سال گذشته در وزارت خارجه بوده است، در حالی که هیچ رسیدگی به آن وجود نداشت، ضمن اینکه بانک ژن در اختیار وزارت جهادکشاورزی است بنابراین مسئولیت این کنوانسیون هم به آن سپرده شده است. تعهد اجرایی به این کنوانسیون از اساسی‌ترین نقدهای وارد بر دیپلماسی زیست محیطی دولت بوده است.

حکمرانی محیط زیست دولت دوازدهم باز هم مورد انتقادات جدی قرار گرفت وقتی که راس این سازمان که خود مدافع تمام قد محصولات تراریخته است و این محصول را نه برای انسان و نه برای محیط زیست خطرناک نمی‌داند همان کسی است که نانو تیتانیوم را که همه کارشناسان و پژوهشگران به حال تالاب و دریاچه مضر

می‌دانند، بی‌ضرر معرفی می‌کند. وی می‌گوید مشکل تالاب انزلی، تراکم رسوبات آلی و معدنی است که با وجود سرعت رسوب‌گذاری بالا، احتمال خشک شدن آن در آینده نزدیک وجود دارد. همه این استدلال‌ها برای آن بود که از سرازیر کردن ۶۰ هزار لیتر نانو تیتانیوم در این تالاب دفاع کند.

انتقال شبه ناک ۱۷ هزار تن پسماند پتروشیمی به استان‌های گیلان و قزوین نیز اعتراضات دولتی‌ها و غیردولتی‌ها را برانگیخت. وقتی مدیر کل حفاظت محیط زیست گیلان، انتقال این پسماندها به لوشان را تایید کرد رئیس حفاظت محیط زیست کشور در یک واکنش عجیب گفت اصلا پتروشیمی که پسماند ندارد، که باعث شگفتی و حیرانی همه کارشناسان و متخصصین امر محیط زیست شده است.

وقتی که آتش‌سوزی جنگل‌ها در سال ۹۹ اوج گرفت باز منتقدین حکمرانی زیست محیطی بی‌مبالاتی دولت را نشانه گرفتند، امری که البته مختص دولت‌های یازدهم و دوازدهم نبوده است. اینان معتقدند که دولت به محیط زیست به‌عنوان موی دماغ توسعه نگاه میکند و مدیریت سازمان محیط زیست آن در سال ۹۸ اعلام کرده بود که سرمایه‌گذاری برای اطفای حریق‌ها صرفه اقتصادی ندارد. حرف‌های دولت درباره تحریم‌ها و یا کسری بودجه صرفا نوعی بهانه‌جویی قلمداد می‌شود. چرا باید برای خرید یک بالگرد مخصوص اطفای حریق مشکل داشته باشیم یا که نتوانیم دمنده یا آتش‌کوب در اختیار جامعه محلی قرار دهیم تا آنان خود از جنگل‌ها حفاظت کنند. این همه در حالی است که حکمرانی هیچ آموزش لازمی را به جوامع محلی ارائه نمی‌کند و خیلی از مردم نمی‌دانند که چطور برخی از رفتارهایشان می‌تواند منجر به آتش‌سوزی‌های وسیع در جنگل‌ها به‌ویژه در فصل تابستان بشود. بعد از فجایع آتش‌سوزی حکمرانی ۱۵ میلیارد تومان برای اطفای حریق جنگل‌ها اختصاص داد که از نگاه منتقدین در مقام مقایسه با نیاز عرصه‌های طبیعی کشور کاملا یک شوخی به‌نظر می‌رسید (مرد گاف‌های بزرگ چه کسی است؟ ۱۳۹۸).

منتقدان می‌گویند مدعی زیست محیطی‌ترین دولت رکورددار بدترین تصمیمات محیط زیستی شده است. از ابتدای کار دولت یازدهم در سال ۹۲، شعارها و وعده‌های محیط زیستی شروع شد و وعده داد تا آن‌ها را در دولت دوازدهم پیگیری کند؛ دولتی

که حتی اولین مصوبه‌اش را به نام دریاچه ارومیه زد تا ثابت کند محیط زیست برایش مهم است. ادعایی که هیچ وقت از مقام وعده خارج نشد.

خلاف وعده‌های زیست محیطی دولت مکررا اتفاق افتاد که نشان می‌دهد دولت اعتقادی به توسعه پایدار ندارد، که از مهم‌ترین نمونه‌هایش موافقت رئیس جمهور با طرح انتقال آب خزر به سمنان است، که به اضطرابات و دغدغه‌های محیط زیستی دامن زده و این نگرانی را ایجاد کرده که خزر به سرنوشت دریاچه ارومیه دچار شود. تصمیمات محیط زیستی دولت کم نبوده‌اند مانند بخشنامه جنجالی وزیر جهادکشاورزی برای به رسمیت شناخته شدن نسق زراعی اراضی زیر آشکوب زاگرس، اجرای طرح گردشگری در جزیره آشوراده و تبدیل این زیستگاه بکر به منطقه‌ای مانند جزیره کیش، توسعه بی‌ضابطه ویلاسازی و گردشگری در استان‌های شمالی کشور که نتیجه‌ای به جز تخریب منابع طبیعی نداشته‌اند، تبدیل جنگل‌های شمال به محل دفن زباله که سلامتی طبیعت و انسان‌ها را به خطر انداخته است، همه از نمونه‌های بی‌کفایت بودن دولت‌های یازدهم و دوازدهم است که محیط زیست کشور را قربانی می‌کند و خسارت‌های غیر قابل جبرانی وارد می‌کند.

دولت دوازدهم مدعی است که عظیم‌ترین کار محیط زیستی در خصوص احیای دریاچه ارومیه را انجام داده است. امری که مورد قبول بسیاری از کارشناسان محیط‌زیست نیست و آن را رد می‌کنند و معتقدند وعده‌های دولت در خصوص احیای دریاچه ارومیه و سایر وعده‌های محیط زیستی به انجام نرسیده است و اگر هم شرایط دریاچه اندکی نسبت به گذشته بهبود یافته باید آن را پای طبیعت گذاشت. احیای دریاچه ارومیه حاصل افزایش میزان بارش در دو سال آبی گذشته است به عبارت دیگر افزایش بیش از سی درصدی بارش‌ها در حوضه آبی دریاچه ارومیه که گزارش‌های سازمان هواشناسی نیز آن را تایید می‌کند، عامل اصلی وضعیت نسبی مناسب این دریاچه است.

آن‌طور که مسولان ستاد احیای دریاچه ارومیه گفته‌اند از سال ۱۳۹۳، دست کم ده هزار میلیارد تومان برای احیای این دریاچه هزینه شده است، اما به‌نظر می‌رسد که اگر این هزینه هم انجام هم نمی‌شد هم‌اکنون دریاچه ارومیه شرایط کنونی را داشت، زیرا دو

پروژه بزرگ ستاد یعنی انتقال آب و استفاده از پساب تصفیه خانه‌ها تاکنون به انجام نرسیده است. در پروژه انتقال آب زاب قرار است که از طریق تونل ۶۲۳ میلیون متر مکعب آب به دریاچه تزریق شود که اجرایی نشده است. جالب آنجاست که فقط در آذربایجان شرقی بیش از نود سد وجود دارد که با هدف کشاورزی ساخته شده‌اند و از سال ۹۳ تاکنون ستاد احیای دریاچه حتی نتوانسته یکی از این سدها را تخریب کند تا حقایق دریاچه تامین شود به جز سدهایی که راه را بر نجات دریاچه بسته‌اند مسئولان ستاد حتی برای حذف میان‌گذری که از عوامل اصلی نابودی دریاچه است نیز اقدامی نکرده‌اند (آیینی، مهدی، ۱۳۹۹).

مسائل منطقه‌ای زیست محیطی ایران: مورد ریزگردها

بنا بر شاخصه‌های عملکرد زیست محیطی در سال ۲۰۱۸، در مجموع بیست و دو عامل محیطی مانند آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی بسیار موثر هستند. در این مطالعه ایران از میان مجموع ۱۳۲ کشور مورد مطالعه در رتبه ۸۰ قرار گرفته بود. استنادا بر چنین نمونه‌هایی می‌توان گفت که بحران‌های حاصل از محیط زیست در ایران بسیار حایز اهمیت هستند که باید به آن‌ها امعان نظر ویژه‌ای داشت. در این خصوص قطعا نوع دیپلماسی زیست محیطی و حکمرانی ایرانی بسیار نکته محوری و حایز اهمیتی می‌باشد که می‌تواند از وقوع بحران‌های زیست محیطی جلوگیری به عمل آورد و یا در زمان وقوع بحران جلوی گسترش آن را بگیرد (رتبه‌بندی کشورها در محیط زیست، ۲۰۱۸).

ایران خود امروز کانون برجسته بحران‌های زیست محیطی می‌باشد که می‌توان از مسئله ریزگردها در استان‌های جنوبی کشور تا خشک شدن بزرگ‌ترین حوضه آبی یعنی دریاچه ارومیه در شمال غربی کشور یاد کرد. گفته می‌شود که برخی از این بحران‌ها دارای ریشه‌های داخلی و برخی دارای ریشه‌های خارجی هستند. در واقع ایران هم باید به حکمرانی ملی در این زمینه و هم به دیپلماسی زیست محیطی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت زیادی بدهد تا بتواند با تمشیت و تدبیر مناسب مانع گسترش این بحران‌ها و کم کردن حجم تدریجی آن‌ها باشد. عمده این بحران‌های مربوط به محیط

زیست عبارتند از آلودگی هوا، کمبود و آلودگی منابع آبی، تغییرات اقلیمی، معضل پسماندها، آلودگی مواد غذایی و حمل و نقل، آلودگی‌های نفتی، جنگل زدایی، بیابان‌زایی، فرسایش خاک و انقراض زیست محیطی. مدیریت این بحران‌ها با حکمرانی خوب و دیپلماسی زیست محیطی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی امکان پذیر می‌باشد (افشار، ۱۳۹۴).

محیط زیست یک مجموعه به هم پیچیده است که همه کشورها را درگیر می‌کند و بنابراین حل معضلات و مشکلات آن تا حد زیادی به حکمرانی خوب، دیپلماسی زیست محیطی مشترک و موثر آنها می‌باشد. مشکلات زیست محیطی امر جهانی است که حاصل از تحولات صنعتی مدرن، ازدیاد جمعیت، آلودگی دریا و هوا، کاهش جنگل‌ها، پدیده گرم شدن زمین، تغییرات آب و هوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها، پارگی لایه‌ی اوزون، کم شدن منابع و سوخت‌های فسیلی، کاهش تدریجی و موثر تنوع زیست جانوری، وجود زباله‌های شهری، صنعتی و بیمارستانی، کم بودن سطح آموزش و سواد زیست محیطی، بیکاری و فقر فزاینده به همراه افزایش شکاف بین فقر و غنا در کشورهای مختلف از عوامل عمده هستند که بسیاری از آنها در کشور ما نیز وجود دارند. بر این اساس، و با افزایش سطح آگاهی کشورهای مختلف در زمینه مسایل محیط زیست و توسعه پایدار، آنها می‌کوشند تا با استفاده از دیپلماسی زیست محیطی، و امضای توافقنامه‌ها و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و جهانی در مدیریت این بحران که می‌تواند آسیب‌های زیادی به آنان وارد کند، کوشا باشند.

دولت ایران نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح منطقه‌ای نیز با چالش‌های زیست محیطی مواجه می‌باشد که لازم است برای آنها نیز برنامه‌ریزی درستی داشته باشد. در سطح منطقه خاورمیانه، نشانه‌های مهمی از جایگاه و نقش ضعیف کشورها را می‌توان مشاهده کرد. نبود فرهنگ اجتماعی از محیط زیست که ناشی از سطح آموزش پایین به‌ویژه در سطح ابتدایی است، شخصیت محور بودن مدیریت محیط زیست، کم‌رنگ بودن یا فقدان نهادهای مدنی یا سمن‌های زیست محیطی در این منطقه، نفت و یارانه انرژی از بنیادی‌ترین دلایل این ضعف مدیریت در خصوص محیط زیست می‌باشد.

همه این شاخصه‌های مهم نیازمند مذاقه و نظارت و اجرای خوب حکمرانی و دیپلماسی مناسب زیست محیطی می‌باشد (غازی و مولایی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

حال ایران در سرزمین پرالتهاب خاورمیانه به سر می‌برد که روابط بین کشورها در این منطقه بسیار پیچیده و ناپایدار می‌باشد. در خصوص دیپلماسی زیست محیطی نیز باید به الگوهای محیطی این منطقه توجه داشته باشیم. نکته مهم در این دیپلماسی زیست محیطی، روابط ویژه با کشورها یا متحدان استراتژیک ایران در جبهه مقاومت است، که قطعا در مورد آن‌ها شرایط برای ایفای نقش در مسایل زیست محیطی باید گسترده‌تر، و آسان‌تر باشد، بنا بر این لازم است که در این خصوص مدیران برنامه‌ریزی داشت. مهم‌ترین اصل در این باره این است که در دیپلماسی زیست محیطی بتوانیم به درک مشترکی با این کشورها درباره پیدا کردن راه‌حل‌های مشترک برسیم. به عبارت دیگر، کشورها به این باور برسند که امنیت زیست محیطی تنها ویژه و انحصار یک کشور منطقه‌ای نیست و همان‌طور که می‌تواند گریبانگیر عراق، ایران و عربستان بشود به همان میزان می‌تواند مشکلات و چالش‌های مهمی را مثلا برای ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیز ایجاد نماید. قطعا پس از فعال شدن اقدامات زیست محیطی در سطح منطقه‌ای، لازم است که دستگاه دیپلماسی ایران به همراه سایر نهادها و وزارت خانه‌های مربوط با همکاری قوه مقننه و قضائیه برای ایجاد روابط تعاملی گسترده‌تر در عرصه روابط بین‌الملل بکوشد تا روابطی پر تحرک و پرنرنگ در این باره ایجاد شود. دیپلماسی زیست محیطی ایران به شکل منسجم باید که فعال و پویا در سطح بین‌المللی جلوه کند به نحوی که دیگر کشورها را ملزم به ارایه کمک در زمینه فن‌آوری‌های تولید انرژی یا در زمینه مدیریت مصرف انرژی بنماید. نکته مهم این است که حتی در خصوص کشورهای متخاصم می‌توان از اهرم ارتباطی با کشورهای اسلامی و عربی منطقه و هم از کانال ارتباطی با کشورهای نظام بین‌الملل جهت ملزم ساختن سایر کشورها در ارتباط با انجام تعهداتشان استفاده نمود، که البته پر واضح است که همه این امور نیازمند طراحی یک دیپلماسی زیست محیطی مدیران توسط ایران می‌باشد (میر ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸-۱۱۴).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست محیطی در ایران بحران ریزگردهاست که نیازمند فعال شدن هر چه بیشتر دیپلماسی زیست محیطی ایرانی در این خصوص است. این چالش می‌تواند سبب شکل‌گیری بحران‌های بزرگی در آینده نزدیک باشد. منطقه غرب آسیا دارای یک موقعیت خشک و بیابانی است که این منطقه را در معرض جدی‌ترین بحران‌های زیست محیطی و تغییرات اقلیمی قرار داده است، و خشک سالی‌های طولانی یکی از مهم‌ترین این موارد می‌باشد (زواری، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۲). می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست محیطی در مناطق خشک و نیمه خشک، پدیده‌ی مخرب بیابان‌زایی و فرسایش بادی است که وقوع طوفان‌های شن و گرد و غبار و حرکت ریزگردها را به وجود می‌آورد. متأسفانه به‌ویژه در یک دهه گذشته طوفان‌های گرد و غبار در منطقه غرب آسیا و موکدا در کشورهای عراق و عربستان سعودی آثار و نتایج مخرب و زیان‌باری را برای کشور ایران داشته است. البته باید توجه داشت که این بحران طبیعی به همراه خود با توجه به آثار انسانی که دارد ابعاد امنیتی و سیاسی نیز در سطح ملی ایجاد می‌نماید. در نتیجه بحران ریزگردها می‌تواند یک تهدید محتمل برای امنیت زیست محیطی ملی و منطقه‌ای دیده شود. آثار این تغییرات تهدیدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای امنیت انسانی خلق خواهد نمود (طوفان، ۱۳۸۹: ۹۴۳). بنابراین در این معنا، امنیت به شکل موسع عرض اندام می‌نماید و سوای مسایل نظامی و سیاسی و اقتصادی موضوعات محیط زیستی را نیز شامل می‌شود.

قابل به تاکید است که ریشه و منشا اصلی یا عمده این ریزگردهای ورودی به ایران از کشور عراق است و سایر کشورها مانند عربستان سعودی، ترکیه، کویت و سوریه نیز هر کدام از این بحران بی‌نصیب نیستند کشور عراق با مساحت ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع در خاورمیانه و جنوب ایران قرار دارد و به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع یا مناطق اصلی برای به‌وجود آمدن گرد و غبار در منطقه غرب آسیا دانسته می‌شود. عوارض مخرب این گرد و غبار به شدت کشورهای منطقه به‌ویژه ایران را تحت‌تاثیر خود قرار داده است. مناطق مرکزی و جنوب عراق از دشت‌های آبرفتی و بیابانی تشکیل شده است. زمین‌های با تلاقی بین دو رود دجله و فرات به دلایل طبیعی و دخالت نیروهای انسانی در حال خشک شدن هستند و همین عامل موجب شده است تا این زمین‌ها به یکی از کانون‌های

اصلی گردو غبار در این کشور تبدیل شوند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۶).

بنابراین می‌توان اظهار داشت که علت عمده پدیده گرد و غبار در کشور ناشی از گسترش بیابان‌ها و پدیده بیابان‌زایی در کشورهای همسایه به‌ویژه عراق می‌باشد. بروز طوفان‌های شدید در مناطق مذکور سبب انتقال ذرات خاک توسط باد می‌گردد و این ذرات به دلیل دارا بودن اندازه‌های مختلف دارای سرعت ته‌نشینی متفاوت بوده، به صورتی که ذرات ریزتر تا کیلومترها دور از محل صعود انتشار می‌یابند و موجب ایجاد گرد و غبار در سایر مناطق می‌گردند. در شرایطی که جریان باد از سمت کشورهای همسایه در غرب و جنوب غرب به سمت کشور ایران باشد، جریانات هوای غبار آلود به طرف کشور هدایت شده و مشکلاتی را برای محیط زیست و سلامت مردم به وجود می‌آورد (تنگستانی، ۱۳۹۲). همان‌گونه که الان نیز عدم توانایی حکمرانی ایرانی در این زمینه و ناکامی نسبی دیپلماسی در این‌باره باعث شده تا بحران به شدت گسترش یابد و ایرانیان زیادی در استان‌های مختلف تحت تاثیرات منفی این بحران قرار بگیرند، که خود به رشد پدیده مهاجرت، گسترش بیماری‌های جسمی و روانی منجر شده است. این متغیرهای منفی نیز به نوبه خود باعث به وجود آمدن عوارض منفی سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

با وجود مشکلات گوناگون ایجاد شده از طریق ورود ریزگردها، تا کنون یک نهاد بین‌المللی مرجع وارد حل مسئله ریزگردها نشده و معاهده‌ای الزام‌آور در میان کشورهای منطقه برای مهار ریزگردها منعقد نگردیده است، که این خود ترجمان ضعف دیپلماسی زیست محیطی کشورهای منطقه و از جمله ایران می‌باشد که نتوانسته‌اند تشریک مساعی مناسبی در این زمینه داشته باشند. آمادگی ایران برای حل مشکلات و چالش‌های مربوط به ریزگردها موضوعی است که در نشست‌های منطقه‌ای از سوی مسئولین مورد تاکید قرار گرفته است. این‌ها برخی از مواضع ایراد شده در کارگروه اجلاس منطقه‌ای مقابله با بحران گردو غبار بود که در مهرماه سال ۱۳۸۹ و با حضور وزرای محیط زیست کشورهای عراق، ترکیه، سوریه، قطر و ایران در تهران برگزار شد. بحران ریزگردها طیفی از رایزنی‌ها و سفر گروه‌های کاری به‌ویژه میان کشورهای ایران و

عراق را به دنبال داشته است. با اولین سفر رئیس وقت سازمان حفاظت از محیط زیست، ایران در جولای ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) به عراق مقدمات لازم برای امضای تفاهم‌نامه دو جانبه در تاریخ ژانویه ۲۰۰۹ در تهران فراهم شد. ادامه مذاکرات منطقه‌ای در خصوص غلبه بر بحران‌های ریزگردها به نشست تهران در سپتامبر ۲۰۱۰ (مهرماه ۱۳۸۹) باز می‌گردد. وزیران محیط زیست پنج کشور ایران، عراق، ترکیه، سوریه، قطر با امضای تفاهم‌نامه‌ای در اجلاس منطقه‌ای مدیریت بحران پدیده گردوغبار که به میزبانی تهران برگزار گشت متعهد شدند که ظرف مدت ۵ سال این پدیده را رفع نمایند اما عملاً تا کنون اتفاق مثبتی میسر نشده است (طوفان، ۱۳۹۴).

در این باره با استناد به وظیفه و رسالت مشترک کشورها در حفاظت از محیط‌زیست، دیپلماسی زیست محیطی مشترک معطوف به ایجاد روندهای مدیریتی مشترک و تسهیم منابع مالی برای هزینه‌کردهای مربوط است. به عبارت دیگر، کار اصلی دیپلماسی زیست محیطی انجام مذاکرات موثر و پویا برای مشخص کردن روندهای پولی و منابع مالی برای هزینه‌کردهای مشترک منطقه‌ای برای یک بحران مشخص می‌باشد که قطعاً در این فرآیند لازم است که یک نظام مدیریتی مشترک نیز به وجود بیاید. در ارتباط با مسئولیت کشورها برای مقابله با اثرات مخرب ریزگردها و جلوگیری از گسترش آن‌ها قاعدتاً کشورهای منشا ضرر و کشورهایایی که به دلیل الگوهای ناصحیح مصرف باعث ایجاد چنین شرایطی شده‌اند، مسئولیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند. متأسفانه در مورد ریزگردها تاکنون در سندی الزام‌آور به مسئولیت کشورها اشاره نشده است و بعضاً در برخی از اسناد غیر الزام‌آور در قالب قطعنامه‌ها و یا اعلامیه‌ها هنجاری به مسئولیت کشورها منشا ضرر اشاره شده است. در این خصوص نقش سازمان‌های منطقه‌ای که معمولاً اکثر کشورهای منطقه در آن عضویت دارند و اسنادی مربوطه حائز اهمیت می‌باشند (حسینی، ۱۳۹۱: ۸).

برخی از این اسناد الزام‌آور و برخی دیگر غیر الزام‌آور می‌باشند، یکی از اسناد الزام‌آور و منطقه‌ای موافقت‌نامه آسه آن می‌باشد. این موافقت‌نامه به دنبال کنفرانسی بین‌المللی که در سال ۲۰۰۲ در کوآلالامپور برگزار شد، تدوین و امضا گردید. محتوای این موافقت‌نامه ضمن شناسایی آثار زیان‌بار ریزگردها بر انسان، منابع زنده، اکوسیستم‌ها

و دیگر مواد زیست محیطی با تکیه بر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، احتیاطی و هماهنگی ملی، همکاری دو و چند جانبه، بر انجام اقدامات مناسب در وضعیت‌های اضطراری و مدیریت مناسب جنگل‌ها تاکید نموده است. هدف از این موافقت‌نامه جلوگیری و نظارت بر آلودگی فرامرزی گرد و غبار به‌عنوان پیامد خشکسالی و آتش‌سوزی جنگل‌ها بوده که باید از طریق تلاش‌های ملی، منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی هماهنگ، کاهش یابد (حیدرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲).

در کنار موضوع بالا باید اشاره کرد که مقامات محیط زیستی در دو کشور ایران و عراق در سال نود شمسی با یکدیگر دیدار نموده که در پی آن همکاری بین ایران و عراق برای مهار یک میلیون هکتار از کانون‌های بحرانی تولید ریزگردها در ایران توسط وزیر محیط زیست عراق و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست ایران به امضا رسید. اما متأسفانه بنا به اظهارات وزیر محیط زیست عراق، اجرای این تفاهم‌نامه بستگی به بودجه و تصمیمات دولت دارد (حیدرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳).

مضافاً در اکتبر سال ۲۰۱۰، جلسه همکاری منطقه‌ای درباره محیط زیست در کشور ترکیه برگزار شد و در این نشست که چهار کشور، عراق، سوریه، ترکیه و ایران شرکت داشتند، متهمی به امضای بیانیه آنکارا شد. در این بیانیه بر همکاری کشورهای عضو در به حداقل رساندن آلودگی‌های محیط زیستی به‌ویژه ریزگردها تاکید شده است. همچنین این بیانیه اشاره دارد که کشورهای عضو با توجه به اصول انصاف و عمل متقابل تمام تلاش خود را در جهت کنترل فرسایش بادی، خاک‌ی و توسعه پروژه‌هایی منطقه‌ای برای مهار این مخاطرات در چارچوب توسعه پایدار و مطابق با معاهدات و موافقت‌نامه‌هایی که طرفین عضو آن هستند، مبذول خواهد نمود (گنجعلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۶۱).

همه این موارد بالا نشان می‌دهد که ایران اقداماتی در زمینه دیپلماسی زیست محیطی بحران ریزگردها داشته است، ولی این اقدامات نابسند و منقطع بوده است. قطعاً فرآیند مذاکرات جهت نیل به کسب دیدگاه مشترک منطقه‌ای برای مدیریت سازمانی و مالی این بحران کار مشکلی است، اما به نظر می‌رسد که همت لازم در دستگاه دیپلماسی ایران و سایر کشورهای منطقه برای نیل به یک راه‌حل مشترک در این زمینه وجود ندارد که لازم

است دانشگاهیان، رسانه‌ها، و سمن‌های زیست محیطی در این باره پی‌گیر باشند و از حکمرانی فعال شدن دیپلماسی زیست محیطی را مطالبه نمایند.

مسائل منطقه‌ای زیست محیطی ایران: مطالعه موردی خزر

مناطق ساحلی هر کشوری به‌عنوان محل اتصال آن کشور با کشورهای همسایه و سایر مناطق محسوب می‌شود و این مناطق می‌توانند روابط درونی و بیرونی کشورها را تسهیل کنند و ضمن مساعدت به ایجاد موازنه طبیعی، اقلیمی، زیست محیطی منطقه‌ای، و بهره‌برداری بهتر و موثرتر از موقعیت جغرافیایی کشور را فراهم آورند. باید توجه داشت که استفاده پایدار از منابع، قابلیت‌ها و حفظ محیط زیست امنیت مناطق داخلی از طریق مرزهای آبی را تضمین و در مجموع ترجمان میزان توسعه یافتگی کشورهاست. سواحل کشور به‌عنوان نمادی از توانمندی‌های محیطی، ارتقای وضعیت مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی و ذخایر ارزشمند بیولوژیک، قابلیت‌های گردشگری و گذران اوقات فراغت برای مردم کشور و سایر کشورهای منطقه در کنار استفاده پایدار از سایر قابلیت‌ها و مزیت‌های کشاورزی، صنعتی خدماتی و فرهنگی در جهت تامین نیازهای ملی و توسعه صادرات عمل می‌کنند.

در این راستا به‌نظر می‌رسد، مواردی می‌تواند در ارتقای وضعیت فعلی موثر باشد که شامل این موضوعات است: کنترل و حفاظت از منابع آب و خاک و بازسازی ذخایر منابع زنده دریایی، مواجهه با آلودگی‌های محیط زیست دریایی، تخریب جنگل‌ها و تقویت مدیریت محیط زیست، تقویت و توسعه صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع الکترونیک با تاکید بر استقرار صنایع پاک، با توجه به محیط زیست شکننده نواحی ساحلی و حفظ و نگهداری از آن در مقابل توسعه ناموزون و ناسازگار، تلاش جهت الحاق به کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محیط زیست، نظارت اجرایی بر قوانین و مقررات ملی مرتبط، تدریس راهبرد موثر ملی توسعه پایدار برای صیانت از محیط زیست دریایی و ارتقای فرهنگ اجتماعی حفظ محیط زیست مناطق ساحلی و بهره‌برداری از همه امکانات و تجهیزات مناسب جهت کاهش و مقابله با آلودگی دریایی.

دریای خزر با تنوع زیست محیطی منحصر به فرد خود، تالاب‌های بی‌نظیر، جنگل‌های هیرکانی، رودخانه‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری بی‌مانند در معرض تهدیدات فزاینده و چالش‌های زیست محیطی گوناگونی قرار دارد که اندک اندک از تاب‌آوری این حوضه آبی می‌کاهد. شتاب بی‌ملاحظه کشورهای ساحلی برای بهره‌مندی اقتصادی از این دریا باعث شده تا در آینده‌ای نه چندان دور انواع موجودات دریایی و پرندگان مهاجر در معرض تهدید انقراض قرار گیرد و امکان اینکه دریای خزر به یک دریای مرده تبدیل شود وجود دارد. بنابراین تقویت حکمرانی خوب درباره این موضوع حائز اهمیت است به گونه‌ای که درصد معینی از درآمدهای حاصل از خزر مانند نفت، خاویار و ماهی جهت بهبود سازی محیطی آن استفاده شود. ضمناً عدم فروش یا واگذاری زمین جنگل، تالاب آب‌گیرهایی که در موقعیت زیست محیطی حساس قرار دارند، ضروری است. کنترل بر صید ماهیان خاویاری، و ممانعت از دفع سموم آفات و کودهای شیمیایی که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارند، و ادار کردن کارخانجات و صنایع به ایجاد سیستم تصفیه فاضلاب، ایجاد سیستم جمع‌آوری موثر زباله و زواید شهری، خانگی، خدماتی، ساختمان، بیمارستان‌ها، صنعتی و کشاورزی، در نظر گرفتن سایر شرایط زیست محیطی در مواقع ساخت پل، تونل، جاده و ساختمان؛ همه می‌تواند به مدیریت زیست محیطی خزر کمک کند. امروزه موضوع آلودگی‌های نفتی دریایی خزر یک مسئله جدی میان تهدیدات مختلف موجود می‌باشد. آلودگی‌های نفتی عمدتاً حاصل، اکتشافات، استخراج و انتقال و در برخی موارد در اثر سوانح به وجود می‌آیند؛ آثار مخرب زیست محیطی را با خود به همراه دارند که این فرآیند آثار دهشتناکی را بر موجودات زنده می‌گذارد که در کنارش، از نظر اقتصادی نیز هزینه‌های زیادی را با خود به همراه دارد. از آنجایی که اقتصاد کشورهای ساحلی عمدتاً بر پایه ذخایر غنی نفت و گاز است، نمی‌توان متوقع بود که آن‌ها فعالیت‌های نفتی خود را قطع کنند بنابراین باید به حکمرانی ملی و منطقه‌ای مناسب و کارآمد در این زمینه پرداخت. با توجه به کمتر بودن عمق دریای خزر در بخش شمالی و بیشتر بودن عملیات اکتشاف و استخراج در این بخش و با استناد به جهت جریان‌ات آب دریای خزر که به سمت بخش جنوبی است به نظر می‌رسد که عملیات حمل و نقل مواد نفتی هر چه بیشتر به ضرر حوضه جنوبی این دریا که ایران در آن قرار دارد بشود. بنابراین برای تحقق امنیت زیست محیطی منطقه شناسایی و تعیین مناطق حساس ساحلی این دریا

و حفاظت از تنوع زیستی ساحلی و دریایی با ایجاد مناطق حفاظت شده امری الزامی است.

می‌توان گفت که شاخص‌ترین مشکلات دریای خزر عبارت است از بسته بودن این دریا که تنها راه ورودی به آن کانال ولگا می‌باشد. کانالی که دارای عرض کم بوده و عمق آن نیز چندان نمی‌باشد و همواره محدودیت‌هایی را برای شناورهای عبوری ایجاد می‌کند، مضافاً این که کانال عمدتاً ۶ ماه از سال یخ می‌زند و عملاً کار عبور و مرور از آن متوقف می‌شود. در همین حال باید بدانیم که برای اخذ مجوز عبور از این کانال همواره با بوروکراسی و مشکلات سیاسی متفاوتی روبرو می‌باشد. در قسمت ایرانی قضیه شاید اصلی‌ترین موضوع به‌طور کلی عدم وجود زیرساخت‌های مورد نیاز مانند محدودیت کارگاه‌های ساخت کشتی و سازه‌های دریائی مدرن درون مرزی باشد. کم بودن عمق آب در اسکله‌های موجود کشور و محدود بودن امکانات جهت تعمیر و نگهداری شناورها از جمله حوضچه خشک و عدم وجود ناوگان دریایی و امکانات سخت افزاری جهت اکتشافات در آب‌های عمیق خزر نیز مطرح می‌باشند. به‌طور کلی می‌توان گفت آسیب‌پذیری و حساسیت محیط زیست خزر که عمدتاً زاینده محاط بودن و دریاچه‌ای بودن آن می‌باشد به‌طور خود به خود باعث می‌گردد تا آلاینده‌های مختلف در آن خروجی نداشته باشند، به راحتی با بحران اکولوژیک روبرو شود. بحران هویت و مدرنیزاسیون که در برخی کشورهای ساحلی به‌ویژه جمهوری آذربایجان و ترکمنستان وجود دارد نیز سبب می‌شود تا کشوری ساحلی بدون برنامه‌های زیست محیطی مناسب به بهره‌برداری اقتصادی و انرژی صرف پردازند که این فرآیند خود باعث می‌شود تا انواع موجودات دریایی و پرندگان مهاجر به شدت آسیب ببینند (خاوری نژاد، ۱۳۹۷).

عدم شکل‌گیری رژیم حقوقی مشترک نیز در دریای خزر نیز به نوبه خود باعث می‌شود تا کشورهای ساحلی نیز به نوبه خود باعث می‌شود تا کشورهای ساحلی نیز در اجرای قواعد حقوقی مورد توافق و حقوق بین‌المللی حاکم بر محیط زیست کوتاهی کرده و امعان نظر شایسته و بایسته‌ای راجع به آن‌ها نداشته باشند. این در حالی است که سازمان‌ها و تشکیلات ناظر و مجری نیز در این خصوص وجود ندارند.

به هر حال، خزر با چالش‌های زیست محیطی متعدد و گوناگونی روبروست که هر کدام به نوعی خطرات عمدتاً جبران‌ناپذیری را برای محیط زیست آن ایجاد می‌کنند شاید

یکی از مهم‌ترین آن‌ها عوامل تاثیرگذار انسانی است، مانند رفت و آمدهای کشتی‌رانی، طرح‌های کشاورزی، توسعه صنعتی، آبی‌پروری و فاضلاب‌های شهری، صنعتی و بیمارستانی همه این چالش‌ها باعث شده‌اند که فک خزری با بحران بزرگی مواجه شود و با مرگ و میرهای زیادی مواجه باشد. ماهیان خاویاری بلوگا نیز به علت صید بیش از حد با بحران مواجه شده‌اند، این ماهیان مکان‌های تخم‌گذاری خود را به واسطه ساخت سازه‌های سدی در رودخانه‌های اصلی از دست می‌دهند. البته باید تاکید شود که چون پایش تنوع زیستی مناسب و منسجمی در خزر وجود ندارد، شمار شاخص‌ترین گونه‌های آبی و غیر آبی وجود ندارد (باوند، ۱۳۹۷).

ماهیان خزر به‌ویژه ماهیان خاویاری به شدت به دلیل صید غیرقانونی و سازمان یافته در خطر هستند که عمدتاً ناشی از گسترش بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی مناسب در مناطق ساحلی است، و وجود شبکه‌های غیرقانونی صادرات خاویار نیز به آن دامن می‌زند. این مشکلات به دلیل حکمرانی نامناسب و نبود ضوابط قانونی مناسب تشدید می‌شود در حالی که اراده‌ای برای اجرای قوانین و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز وجود ندارد. مضافاً این که در دهه گذشته دریای خزر شاهد ورود گونه‌های مهاجم، ارادی و تصادفی بوده است که به‌عنوان نمونه در رده گونه‌های ارادی می‌توان به آزولا اشاره کرد که به‌عنوان منبع غذایی دامی وارد خزر شده، یا شانه‌دار ژله‌ای نیز در سال‌های اخیر وارد خزر شده است که قطعاً از خطرناک‌ترین تهدیدات بیولوژیکی به‌شمار می‌رود که این دریا با آن مواجه بوده است (برایی، ۱۳۸۹).

توسعه ناپایدار در سواحل خزر یکی از عوامل جدی برای بروز بحران‌های مربوط به محیط زیست می‌باشد. عوامل گوناگون طبیعی و انسانی دست در دست یکدیگر می‌دهند و خسارات زیادی را بر مناطق ساحلی و بومی وارد می‌آورند. عوامل طبیعی مانند نوسانات آب دریا، زمین لرزه‌ها و تغییرات آب و هوایی و عوامل انسانی از جمله بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، تحولات در ساماندهی رودخانه‌ها، گسترش شهرنشینی و حاشیه‌نشینی‌های مرتبط، طرح‌های کشاورزی و باغداری و استفاده از سموم شیمیایی، طرح‌های آبی‌پروری و گردشگری مخرب محیط زیست، شرایط فقر و رکود اقتصادی، درآمدهای پایین و بیکاری همه در کنار یکدیگر بر پیکره محیط زیست خزر ضربات مهلکی را وارد می‌کنند.

قوانین و مقررات بین‌المللی حامی محیط زیست خزر

اولین قانون ملی مهم و تاثیرگذار، قانون حفاظت از آب‌ها و رودخانه‌ها از آلودگی مواد نفتی است که در سال ۱۳۵۴ مصوب شد و سپس در سال ۱۳۸۵ مورد بازنگری قرار گرفت. هدف قانون جلوگیری از آلوده کردن رودخانه‌های مرزی، آب‌های داخلی و دریا‌های سرزمینی به نفت یا هر نوع مواد مخلوط نفتی، خواه توسط کشتی‌ها و یا توسط سکوها‌های حفاری یا جزایر مصنوعی و خواه توسط لوله‌ها و تاسیسات و مخازن نفتی واقع در خشکی یا دریا است. این قانون، آب‌های دریاچه‌های واقع در مرزهای ملی، آب رودخانه‌هایی که از داخل کشور یا یا خط مرزی ایران می‌گذرند، آب‌های واقع در دریای سرزمینی ایران، آب‌های واقع بین خط مبدا دریای سرزمینی و قلمرو خشکی، آب‌های جزایر متعلق به ایران و واقع در منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را تحت پوشش قرار می‌دهد. در کنار این قانون می‌توان به طرح ملی آلودگی و مقابله در برابر آلودگی مصوب ۱۳۸۱ اشاره کرد. این قانون می‌کوشد آمادگی ملی و هماهنگ‌سازی کلیه سازمان‌های دولتی و غیردولتی، نیروها و امکانات مردمی را جهت مقابله با چالش‌های محیط زیست دریایی به هنگام وقوع رخداد‌های منجر به آلودگی نفتی را فراهم کند. منطقه تحت پوشش این قانون، محدوده سواحل و کلیه آب‌های تحت نظارت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر می‌باشد.

در خصوص قوانین و معاهدات بین‌المللی نیز می‌توان به چند مورد اشاره کرد اول کنوانسیون او. پی. آر. سی موسوم به کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی اشاره کرد. این کنوانسیون که در سال ۱۹۹۰ میلادی به تصویب سازمان بین‌المللی دریانوردی رسید در سال ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون تاکید بر واکنش سریع در صورت وقایع آلودگی نفتی دارد تا به کشتی‌ها، تاسیسات دریایی، بنادر و تجهیزات خسارتی جبران‌ناپذیر وارد نشود. ضمناً تلاش می‌شود تا زمینه‌های لازم برای همکاری‌های بین‌المللی جهت مقابله برای بروز حوادث ناشی از آلودگی نفتی فراهم بیاید. ایران نیز در اسفند سال ۱۳۷۶ به این کنوانسیون ملحق شده است. کنوانسیون دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌هاست که معروف به مارپول می‌باشد، و در سال ۱۹۷۳ با برگزاری کنفرانس بین‌المللی آلودگی دریا تصویب شد و در سال ۱۹۷۸ نیز اصلاح گردید. مقررات کنوانسیون ناظر بر منابع

گوناگون آلودگی ناشی از کشتی‌ها بوده و هدف اصلی آن حذف آلودگی عمدی محیط‌زیست دریا به وسیله نفت و سایر مواد مضر و کاهش تخلیه چنین موادی به صورت عمدی و یا غیر عمدی از طریق اعمال قوانین و مقررات بر کشتی‌ها و بنادر می‌باشد.

اما به طور ویژه باید به برنامه محیط زیست دریای خزر اشاره کرد. این برنامه توسط پنج کشور ساحلی خزر یعنی ایران، جمهوری آذربایجان، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان با هدف متوقف کردن تخریب محیط زیست این دریا در اثر آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیت‌های انسانی از جمله تخلیه مواد مضر خطرناک، مواد زائد و سایر آلودگی‌های ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی شکل گرفت و در حفظ منابع زنده دریای خزر برای نسل‌های حاضر و آینده و تحقق توسعه پایدار محیط زیست اجرایی شد. این کنوانسیون که معروف به کنوانسیون تهران است، برای تشویق کشورهای ساحلی به ایجاد کنوانسیون زیست محیطی دریای خزر به وجود آمد (قانون کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر، ۱۳۸۴).

کشورهای منطقه که همه در مناطق ساحلی و زیست محیطی این دریا با یکدیگر شریک و سهمیم هستند باید به تدوین راهبرد منطقه‌ای مشترک جهت بهره‌برداری پایدار از منابع و ذخایر آن سخت بکوشند و به نسل سوم حقوق بشر که نسل‌های آینده را مدنظر دارد، توجه کنند. شکل دادن به ساز و کارهای سازمانی در جهت توسعه مشارکت‌های منطقه‌ای برای انجام تحقیقات زیست حوضه آبی خزر امری ضروری و لازم می‌باشد؛ که انتقال داده‌ها و مشارکت کشورها در این زمینه می‌تواند بسیار موثر افتد. اگرچه توقف روند توسعه اقتصادی ممکن نیست، اما کشورهای منطقه باید بکوشند تا یک امنیت زیست محیطی مشترک را با تدابیر اصولی و مدیریت چند جانبه به وجود آورند. این کشورها همگی در منابع طبیعی و زیست محیطی این دریا شریکند. بنابراین اصلاح قوانین ملی و منطقه‌ای در بهره‌وری از ذخایر زنده و غیرزنده دریای خزر امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. نظارت بر اجرای کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر نیز می‌تواند عامل موثری در این فرآیند باشد. توسل کشورها به به فن‌آوری نوین و مدرن اکتشاف و استخراج نفت از بستر دریا و انتقال آن به ساحل با استانداردهای زیست محیطی، امری حیاتی می‌باشد. ایجاد امکانات دریافت مواد نفتی در بنادر و ترمینال‌ها و تدوین مقررات مشترک منطقه‌ای برای حمل و نقل و تخلیه نفت با توجه به ظرفیت نفت کش‌ها هم حتما باید

مدنظر باشد. در همین راستا لازم است مراکز منطقه‌ای برای مقابله با سوانح دریایی آلوده‌ساز و تدوین طرح‌های اضطراری مقابله با آلودگی نفتی و آرایه‌ساز و کارهای مناسب برای پرداخت غرامت از سوی آلوده‌کنندگان زیست محیطی نیز بسیار موضوع حایز اهمیتی می‌باشد، و از همه مهم‌تر این که پنج کشور ساحلی خزر هرچه سریع‌تر باید که وضعیت حقوقی دریای خزر را از طریق انجام مذاکرات موثر سیاسی و حقوقی به سرانجام مشخص برسانند (سیمبر، ۱۳۸۸).

سیاست‌گذاری زیست محیطی خزر

محیط زیست خزر به دلیل عدم اجرای توافق‌نامه‌های زیست محیطی توسط کشوری ساحلی با چالش جدی مواجه می‌باشد. فرآیندی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری کشور ساحلی جدید بیش از پیش تصریح شده است. حساسیت و شکنندگی محیط زیست دریای خزر به جهت بسته بودن محیط آن و انباشت آلاینده‌های گوناگون این دریا را با بحران اکولوژیک مواجه کرده است. دریای خزر دارای شبکه عظیم حمل و نقل است که کشور آسیای مرکزی را به اقیانوس هند مرتبط می‌سازد. این درحالی است که این دریا به‌عنوان ذخیره بزرگ منابع نفتی، گازی و شیلاتی نیز محسوب می‌شود و در واقع همین منابع باعث شده‌اند تا قدرت‌ها و کنش‌گران فرا منطقه‌ای نیز به آن توجه نمایند. نکته اساسی این است که نبود یک رژیم حقوقی حاکم بر محیط زیست خزر عامل بی‌توجهی کشورهای ساحلی به موضوع محیط زیست می‌گردد. امروزه گفته می‌شود که دریای خزر، آلوده‌ترین دریای جهان است که خود نشان دهنده توسعه نامتقارن اقتصادی و اجتماعی در خط ساحلی و حوضه‌های آبریز آن می‌باشد که بدون توجه به الزامات زیست محیطی صورت گرفته است. توسعه زیر ساخت‌های فیزیکی شهری با دگرگونی با دگرگونی خط ساحلی، بهره‌برداری ناپایداری از منابع شیلاتی، فعالیت‌های کشاورزی، استفاده از آفت‌کش‌ها، کود و سایر مواد شیمیایی باعث بروز مشکلات زیست محیطی در دریای خزر شده است. عدم مدیریت پساب‌های مراکز صنعتی سبب شده سالانه حدود ۱۵۰ هزار لیتر فاضلاب وارد دریای خزر شود (سیمبر و ملکی، ۱۳۹۸).

این چالش نیازمند مساعی مشترک کشورهای ساحلی می‌باشد که با آرایه مدیریت یکپارچه خود، کیفیت زندگی جوامع انسانی را حفظ کنند، تنوع بیولوژیک و بهره‌وری

اکوسیستم ساحلی را میسر سازند. در این راستا لازم است به رشد اقتصادی مناطق ساحلی توجه شود. کسب منافع اقتصادی در کنار حفاظت از منابع ارزشمند ساحلی صورت پذیرد. آثار فعالیت انسانی در سواحل به منظور حفظ و تقویت منابع ساحلی مدیریت شود و استخراج و بهره‌برداری از منابع ساحلی به منظور حصول حداکثر برداشت پایدار مدیریت شود. کیفیت بهداشتی سواحل در جهت منافع ساکنان بومی حفاظت گردد و بهره‌برداری تفریحی عمومی با مراقبت و نظارت همراه باشد. منابع غیر قابل احیا با ملاحظه منافع بلندمدت حفاظت و مدیریت شوند. مناطق ساحلی در زمره مناطقی هستند که به‌خاطر وجود منابع ارزشمند همواره در معرض بیشترین مقدار بهره‌برداری‌ها هستند و دقیقاً به‌خاطر بهره‌برداری‌های نادرست است که اغلب مناطق ساحلی جهان با وضعیت خطرناکی رو به رو هستند به گونه‌ای که خسارات وارد شده از ظرفیت تاب‌آوری آن‌ها فراتر رفته است. افزایش جمعیت، بهره‌برداری غیر مدبرانه از منابع، آلودگی‌های زیست محیطی، عدم توجه به فرآیند توسعه پایدار و عدم هماهنگی بین فعالیت‌ها در نوار ساحلی همه از مخاطرات جدی نسبت به این مناطق محسوب می‌شود (طیبه و همکاران، ۱۳۹۷).

در همین راستا، دریای خزر با موقعیت ویژه جغرافیایی و ژئوپلیتیک از نظر تاثیرات آب و هوایی، صنعت گردشگری، حمل و نقل دریایی، کشاورزی، صنایع نفت و شیلات برای همه کشورهای ساحلی دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد. اما تاکنون متأسفانه، این حوضه آبی محصور با قدرت خودپالایی محدود، تحت فشار آلاینده‌های مختلفی قرار دارد که در آینده‌ای نه چندان دور باعث خواهد شد که منابع آن به شدت آسیب ببینند و چالش‌های زیادی برای ساحل‌نشینان به وجود آید. حوضه خزر که با مشکلات و چالش‌های متعدد زیست محیطی مواجه می‌باشد به‌گونه‌ای تحولات در آن شکل گرفته است که برخی از گونه‌های ارزش با کاهش سریع جمعیتی مواجه شده‌اند، به‌گونه‌ای که تعدادی از آن‌ها نیز در معرض انقراض قرار دارند. آنچه آشکار است مصرف انواع سموم کشاورزی و افزایش سایر آلاینده‌های زیست محیطی در کشورهای ساحلی باعث تصاعد سطح آلودگی‌های موجود در این حوضه آبی می‌شود. پسماندهای مربوط به صنایع مختلف، استفاده ممتد و گسترده آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی و نشت تصادفی مواد نفتی همه مزید بر علت هستند (خاوری نژاد، ۱۳۹۷).

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحولات عمده‌ای در سطح بین‌الملل و حوزه‌های گوناگون تحت سلطه آن از جمله منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمد. حوضه خزر از لحاظ اقتصادی به دلیل دارای بودن منابع عظیم نفت و گاز مورد توجه شرکت‌های نفتی مربوط به کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌باشد. دسترسی کشورهایمانند قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به منابع نفت و گاز خزر و تلاش آنان برای کسب درآمدهای ارزی و برطرف کردن مشکلات اقتصادی شان به نوبه خود باعث به وجود آمدن چالش‌های زیست محیطی برای این دریای بسته شده است. این کشورها که قبلاً جزئی از کشور اتحاد جماهیر شوروی بودند، در دوران پس از فروپاشی وقتی که با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه شدند، به سمت کشورهای غربی روی آوردند و به شدت کوشیده‌اند تا از منابع نفتی و گازی خود بهره‌برداری کنند. به همین دلیل است که ساختار اقتصادی اینان به شدت به صنایع نفت و گاز وابسته شده است، ولی در نتیجه این اقدامات و استفاده از منابع نفتی، باعث آلودگی دریای خزر نیز شده است. مضافاً باید بدانیم که تاکنون کشورهای ساحلی پنج‌گانه نتوانسته‌اند که به یک رژیم حقوقی مشترک برای تقسیم سهم میان یکدیگر دست پیدا نمایند. به همین دلیل به علت اختلافات موجود قادر نبوده‌اند که یک سازمان منطقه‌ای فعال در خصوص مدیریت بحران‌های زیست محیطی تا ممنوعیت صید ماهی را داشته باشند (لطفیان و نصری، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

محیط زیست یکی از بسترهای مهم و قابل توجه در حوزه سیاست جهانی می‌باشد. موضوع حفاظت از محیط زیست به دلیل ابعاد گسترده و تاثیرات آن بر کل کره زمین، تنها مختص به یک کشور نمی‌باشد بلکه کل کشورها را درگیر آن می‌کند. آسیب‌های وارد شده بر محیط زیست زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر زندگی و آسایش ملت‌ها تحمیل کرده است و کشور ایران نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. متأسفانه جامعه ایران امروزه سهمی سنگین از بحران‌های زیست محیطی را به خود اختصاص داده است. برخی از مهمترین این چالش‌ها، آلودگی هوا، کمبود منابع آب، بحران ریزگردها، خشک شدن تالاب‌ها و غیره می‌باشند. کشور ایران به دلایل متعدد در حل بحران‌های زیست محیطی جهانی با چالش‌های متعددی رو به رو است.

در بخش چالش‌های ملی، موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن آن در کمربند بیابانی و خشک می‌تواند به‌عنوان عاملی در جهت حل نشدن مشکلات زیست محیطی از قبیل جلوگیری کوه‌های البرز و زاگرس از رسیدن جریان‌های آب و هوایی مرطوب خزری و مدیترانه‌ای به داخل کشور شود و به دلیل ویژگی‌های خاص بوم‌شناسی ایران، تنوع پوشش گیاهی در ایران همواره مشاهده می‌شود اما متأسفانه عوامل متعددی همچون چرای بی‌رویه و به زیر کشت رفتن مراتع و ضعف‌های مدیریتی باعث از بین رفتن پوشش گیاهی در ایران شده است. در بخش منطقه‌ای، چالش‌های ایران با کشورهای خاورمیانه از قبیل عراق و افغانستان به‌عنوان دو کشور مهم در بحران‌های زیست محیطی در ارتباط با ایران و در مساله ریزدگردها و رودخانه هیرمند و تالاب هامون مطرح است، زیرا این بحران‌های نام برده می‌توانند به مثابه یک تهدید بالقوه برای امنیت زیست محیطی در منطقه تلقی گردند و اثرات این تغییرات تهدیدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای امنیت به وجود می‌آورد. همچنین در بخش بین‌المللی علاوه بر پرداختن به موضوع تحریم‌ها و ضعف دیپلماسی زیست محیطی به‌عنوان یک چالش، با مطالعه موردی معاهده پاریس می‌توان به چالش ایران در زمینه گازهای گلخانه‌ای و کشورهای عضو این معاهده اشاره کرد. زیرا ایران به‌عنوان یک قطب انرژی فسیلی (نفت و گاز) باعث انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود که این عامل در تضاد با معاهده پاریس است.

یکی از موانع توسعه منطقه‌ای نو پا بودن جامعه مدنی و رخوت چارچوب‌های دموکراتیک، به‌ویژه در برخی از کشورها می‌باشد. یعنی سازمان‌های غیردولتی و همچنین سازمان‌های محلی و بومی آنقدر نوپا هستند که غالباً نیز بدون پشتوانه مالی و قدرت تشکیلاتی و سازمانی عمل می‌کنند. در نتیجه از توانمندی لازم برای رویارویی با چالش‌های زیست محیطی برخوردار نمی‌باشند.

گستره دریای خزر برای ایران بسیار حایز اهمیت است. زیرا ایران در این حوضه آبی به منابع شیلاتی، انرژی و جهانگردی اهمیت می‌دهد و شکل‌گیری بحران‌های زیست محیطی همه این موضوعات را تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهد. قبل از فروپاشی، دو کشور ساحلی ایران و شوروی صرفاً به دنبال تثبیت خطوط مرزی مورد توافق و جلوگیری از صید بیش از حد ماهی‌های این دریا بودند. اما پس از فروپاشی و ایجاد پنج کشور ساحلی، فقدان رژیم حقوقی و افزایش کشورها باعث شد تا بر ابعاد

مشکلات زیست محیطی خزر افزوده شود. باید توجه نمود که دریای خزر بزرگترین دریاچه جهان است که دربرگیرنده منابع ارزشمند انرژی و اکوسیستم زیست محیطی بسیار متنوعی می‌باشد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن پنج کشور ساحلی، چالش‌های زیست محیطی در این حوضه آبی تشدید پیدا نمود. متأسفانه در یک چرخه متداوم به طور عمده آلودگی‌های نفتی، آلودگی‌های صنعتی و غیرصنعتی همه دست در دست یکدیگر داده‌اند و موجب کاهش شدید تنوع زیست محیطی در این دریاچه و نابودی بسیاری از زیست بوم‌های محلی شده‌اند. این در حالی است که ایران خود نیز از میان این چند کشور از مسببین اصلی آلودگی‌های زیست محیطی آن می‌باشد و نتوانسته است که از فرصت‌های موجود در آن، مانند تنوع منابع طبیعی و جاذبه‌های گردشگری به نفع خود در جهت اشتغال مردم بومی و رفع بیکاری در استان‌های شمالی استفاده وافر و مناسبی داشته باشد.

دیپلماسی زیست محیطی ایران برای حل مشکلات زیست محیطی خزر عبارت بوده‌اند از تشکیل کمیسیون منابع زنده دریای خزر، برنامه زیست محیطی دریای خزر، و کنوانسیون زیست محیطی تهران که در همه این موارد همکاری‌های سازمان‌های مردم نهاد و بین‌الملل نیز مطرح بوده است. علیرغم همه این اقدامات اما هنوز چالش‌های زیست محیطی خزر عمده و بزرگ می‌باشند و کشورهای ساحلی تاکنون نتوانسته‌اند که توافقات مصوب بر سر جلوگیری از آلودگی‌های خزر را به نحو موثری اجرایی نمایند، این در حالی است که خلاءهای قانونی عمده‌ای نیز برای اجرای بهتر و موثر تر نیز وجود دارد.

منابع

- افشار، سعید. (۱۳۹۴). بیست مسئله محیط زیستی ایران، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، اول آذر ۱۳۹۴: <https://www.asriran.com/fa/news/432921/20>
- امین منصور، جواد. (۱۳۹۰). *مدیریت موافقت نامه‌های زیست محیطی بین‌المللی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- آیینی، مهدی. (۱۳۹۹). *ارومیه کار ما بود، هامون نه*، گزارشگران سبز: بیست و دوم خرداد
- <http://greenreporters.ir/?tag> :۱۳۹۹

- باوند، هرمیداس داوود. (۱۳۹۷). *چه کسی مسئول چالش‌های زیست محیطی خزر است؟* ایسنا: چهاردهم آبان ماه: <https://www.isna.ir/news/97081406640>
- برای، ایران. (۱۳۸۹). *چالش‌های زیست محیطی دریای خزر و آرایه راه‌کارها*، سازمان بنادر و دریا نوردی، ۱۳۸۹: <https://www.pmo.ir/fa/article/177>
- برمکی، جعفر. (۱۳۸۸). *راهنمای مذاکره در موافقت‌نامه‌های زیست محیطی*، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
- تنگستانی، کوروش. (۱۳۹۲). «چالش‌ها و چشم‌اندازهای دیپلماسی زیست محیطی در مهار ریزگردها با بهره‌گیری از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *همایش ملی پدافند غیر عامل در بخش کشاورزی*، جزیره قشم.
- جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۹۵). «محیط زیست و برنامه‌های توسعه در ایران»، *فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، سال اول، شماره دو، صص ۱۰۵-۱۴۲.
- جم، فرهاد، بلیک، ژانت. (۱۳۹۶). «نظام حکمرانی زیست محیطی جهانی: چالش‌ها و راهکارها»، *فصلنامه علوم محیطی*، دوره پانزدهم، شماره ۱ صص ۱۵۶-۱۴۱.
- حسینی، سید محمد. (۱۳۹۱). «بررسی حقوقی ریزگردهای فرامرزی با نگاهی بر وضعیت ایران»، *فصلنامه علمی محیط زیست*، شماره ۵۲.
- حیدرزاده، طاهر، جمالی، دکتر حمیدرضا، غلامی، محمد. (۱۳۹۶). «بررسی حقوقی افزایش پدیده ریزگردها در ایران و کشورهای همسایه (با تأکید بر کشور عراق)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هشتم، شماره سی و دوم، پاییز، صص ۶۱-۳۵.
- خاوری‌نژاد، سعید. (۱۳۹۷). *چالش‌های زیست محیطی دریای خزر: سیاست‌گذاری و اجرا*، تهران: نشر مخاطب.
- درویش، محمد. (۱۳۹۸). *ناکامی دولت‌ها در محیط زیست، دنیای اقتصاد*، هجدهم خرداد ۱۳۹۸: <https://donya-e-qtasad.com/>
- رتبه‌بندی کشورها در محیط زیست، رتبه سه. (۱۳۹۹). <https://rotbe3.com/country-ranking/environment-2018/>

زواری، سید عبدالمجید. (۱۳۹۴). «پیامدهای راهبردی ریزگردها در افق ۱۴۱۴»، *ماهنامه آینده پژوهی*، شماره بیستم، صص ۱۴-۱۲.

سیمبر، رضا. (۱۳۸۱). «بحران زیست محیطی و امنیت دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۴۵-۱۲۹.

سیمبر، رضا. (۱۳۸۳). «حقوق بشر در چارچوب محیط زیست»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۰۲-۲۰۱.

سیمبر، رضا، آشوری، سعیده، خادمی شاه مختار، ماهرخ. (۱۳۹۲). *امنیت و دیپلماسی محیط زیست*، کنفرانس ملی مخاطرات محیط زیست زاگرس.

سیمبر، رضا، ملکی، آریتا. (۱۳۹۸). «حکمرانی ملی و بین‌المللی محیط زیست: رویکردها، تعارض‌ها و راهکارها»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نهم، شماره ۴، پیاپی ۳۴، زمستان، ۱۳۹۸.

طوفان، مسعود. (۱۳۸۹). «چالش‌ها و چشم‌انداز همکاری‌های منطقه‌ای در مهار ریزگردها»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و چهارم، شماره چهار، صص ۹۵۸-۹۴۳.

طوفان، مسعود. (۱۳۹۴). *دیپلماسی و بحران ریزگردها*، خبر آنلاین، سی و یکم تیر ۱۳۹۴: <https://www.khabaronline.ir/news/438314>

طیعی، سبحان. (۱۳۹۵). «دیپلماسی پایدار، راهبردی مؤثر برای درک مذاکرات بین‌المللی زیست محیطی»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال پنجم، شماره بیست و یکم، صص ۸۹-۷۰.

طیعی، سبحان، موسوی، سید فضل‌اله؛ پور هاشمی، سید عباس. (۱۳۹۷). «دیپلماسی محیط زیست، چارچوب راهبردی برای تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*.

کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۳). «ریزگردها تهدید امنیت زیست محیطی»، *ماهنگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی*، شماره ۳۵، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گزارش ویژه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). *دلایل گرد و غبار در جنوب ایران*، تابناک، دهم تیرماه، <https://www.tabnak.ir/fa/news/708157/>

گنجعلی نژاد، منیژه. (۱۳۹۴). *ریزگردها و الزامات حقوقی دولت‌ها*، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.

لطفیان، سعیده، نصری فخر داود، صدیقه. (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری محیط زیست در ایران، چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، *فصلنامه سیاست*، دوره چهل و هشتم، شماره ۱ صص ۹۷-۲۱.

مرد گاف‌های بزرگ چه کسی است؟ (۱۳۹۸). *قدس آنلاین*، بیست و هفت خرداد
<http://www.qudsonline.ir/news/660186>

قانون کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97758>

غازی، ایران، ملایی، اعظم. (۱۳۹۵). «ناپایداری زیست محیطی درخاورمیانه و چالش‌های سیاست‌گذاری مدیریتی و فرهنگی: مطالعه مقایسه‌ای ایران، ترکیه و عربستان»،

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و هفتم.

لویس، گری. (۲۰۱۴). «چالش‌ها به و از، محیط زیست در ایران»، *انجمن سلطنتی جغرافیایی*، صص ۲۰-۱.

مشهدی، علی. (۱۳۹۵). «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی»، *فصلنامه دولت پژوهی*، سال دوم، شماره ۸.

میر ابراهیم، صدیق، جوهری، مهدی، کازرونی، سید مصطفی. (۱۳۹۷). «پدیده ریزگردها در ایران و نحوه مدیریت آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل»، *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران*

و بین‌الملل، صص ۱۱۴-۸۸.